

### امروز یا مولانا

بیست و غزل و شعر سرا آب ببرد  
نیک و بد زهد و پارستانی را  
رختی که نداشتیم سیلاب ببرد  
مختاب بیداد و نماز مختاب ببرد

### برش

#### دویش داشتیم؟

اورینا نالاجی |



به روز باید تو من درباره  
این دوست داشتن با هم  
گپ بزیم! راستش بخوای  
من هنوز نفهمدم منظور  
از عشق چیه! به نظر میاد  
عشق به حقه گندس  
که واسه سرگرم کردن  
سزدم ساخته شده هر  
کی می بینی داره از عشق  
حرف می زنه! کشتیا!  
اگهی هاس تبلیعاتی.  
نوسنده! آدمای سبای!  
راسی عشق می کنن! من اس  
این کلمه لعنتی که همه جاؤ تو نمود زبونا وارد  
وقد دوست نداشتی!  
برشی از کتاب نامه به کودکی که هرگز زاده نشده!

### یک خبر! یک نگاه

#### زمانی برای رسیدگی به بورسیه های غیر قانونی

در دو سالی که بر سر انتخاب وزیر علوم بین دولت و مجلس اختلاف بود همواره یک موضوع در صدر خبرهای این روز نرفته بود و هنوز هم هست! اعطای بورسیه های غیرقانونی که ظاهراً در فاصله ۸۸ تا ۹۲ افزایش چشمگیری داشته است. این همان موضوعی است که فرجی دادا و وزیران پیشینهای بعد از او آن را پیگیری کردند و گاه پیگیری هایشان صدای نمایندگان را در حالی بالاخره مجلس اجاره داد که این روز نرفته جزو دانشنه باشد! اما هنوز کس و قوس هار سر بورسیه های غیرقانونی ادامه دارد. به زنگی هم معاون حقوقی و پارلمانی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری در اینستاگرام کرده است! مستکن است نام برن افراد شایبه های از ایجاد کند که به صلاح دانشجویان و نظام نیست، سعادته نصیری قیداری این سخن را در واکنش به اعتراضات در این زمینه گفته و اعلام کرده است که کسلی که در حال رسیدگی به این بورسیه ها هستند کارشان را بلند و بدون عمل عمل نمی کنند تا حق ضایع نشود.  
داریم از اعطای بورسیه غیرقانونی به ۱۷۰۰ نفر صورتی برخورد خواهیم شد.

### شاعر

#### مور موری ۵ ماهه پس از زلزله - ایلام



### امروز به چی فکر می کنی؟

این که چاقو تیز باشد به خودی خود ارزش محسوب نمی شود. این که به چینی چاقویی چه می کنیده ارزش است. من هم اگر کاری ارایه دهم که به آن اعتقادی ندارم، مطلوب نیست و کیفیت درخوری نخواهد داشت. استاد گرانقدرم همایون پورا همیشه می گفت: برای خود مرجع درست کنیدی. به همین خاطر است که من از خواننده های کوچک و بزاز هم ایده گرفتم. ام از جواد یساری، علی نظری و فاسم جبلی ایده دارم. روزی در اجراء تحریری در دو سه گاه زم و پس از اتمام کار، یکی از دوستان با تعجب به من گفت: این تحریر را از کجا آوردی؟ گفتیم: می گویم اسامی ما دایم نمی روی تا بیاموزیم؛ از جواد یساری درست است که خواننده او اصل ایرانی است اما از همه می آموزم. دلیل نمی شود چون یک خواننده کارش کوچک بزاری است. حذفش کنیم یا او را نادیده بگیریم. تنها حقی که داریم این است که دوستش نداشته باشیم.

ما چایز بقیه زندگی هم همین است. به نظر من غایت هنر این است که حرفی را به مخاطبان برزیم که نمی داند یا حداقل ما فکر می کنیم، نمی داند. اما این حرف به سادگی قابلیت طرح ندارد. ما باید آن قالب زبانی زیبا و قشنگ را ارایه شود. البته مخاطب در انتخاب با انتخاب انتخاب کردن، آزاد است و محترم. چون وجود ما وابسته به وجود اوست. باید ما مخاطبان حسن سلوک داشته باشیم. مخاطب مشتری ما است اما نباید کاسبکارانه به او نگاه کنیم. در عین حال نباید کالاسی با کیفیت پایین به او ارایه دهیم چون ناخامک مخاطب را منتدل می کنیم. در نهایت معتقدم، مخاطب باید از موسیقی کافی ذائقه یابد. نباید ذهنش درگیر شود. خیلی از آثار موسیقیایی امروز ذهن را درگیر می کند. البته نه به سستی که در نهایت چیزی نصیب مخاطب کند بلکه او را سرگردان می کند. نمی تواند بفهمد این کار طربانگیز است یا غیرانگیز. این رویه از سستی به جامعه و تبع آن به هنر تحمیل شده که مفهوم دیگر گونه ای از روشنفکری در جامعه شعوب پیدا کرده است. روشنفکری که جامعه را با هم چینی معنایی دارد. گفتن چیزی که کسی سر در نیاید. البته این برداشت در این مقطع باب شده است. اگر سر در نیاید یعنی این کار خوب است. همایون پورا می گفته: هرمنده ماندگاری است که در یک پان گشته تمام داده های که از اختیار دارم و می توانم با آنها کاری کنم. همین است. این که بعد از ۳۰ سال در کجای کار هستم. باسختی حداقل این می تواند باشد که کارها خودم را با زوری کنم تا موفقهایی را که آواز برانید نهایی است، تو به داشته باشم. در آوازی که می خوانم! ایسر کامو، بزرگ علوی و صادق چوبک حضور دارند اما فقط این نیست که باید ببیند که هر خواننده صدایش، چه می کند؟ بعضی از ما خارج شده است!



## نباید ذائقه مخاطب را مبتدل کنیم

تا ۲ تا ۳ شاعر بسنده کنیم. آوازخوان بودم یا نبودم، باز هم این گونه رفتار می کردم ولی در حال حاضر که آواز خوانم، برای هر کسی هم آواز نمی خوانم. استفاده می کنم چون می خواهم برانید نهایی حیات من که همان آواز است. تقویت شود و در می برزم. به هر عرصه های جدیدتری دست یابم. تمام داده های که از اختیار دارم و می توانم با آنها کاری کنم. همین است. این که بعد از ۳۰ سال در کجای کار هستم. باسختی حداقل این می تواند باشد که کارها خودم را با زوری کنم تا موفقهایی را که آواز برانید نهایی است، تو به داشته باشم. در آوازی که می خوانم! ایسر کامو، بزرگ علوی و صادق چوبک حضور دارند اما فقط این نیست که باید ببیند که هر خواننده صدایش، چه می کند؟ بعضی از ما خارج شده است!

یک موزیسین حرفه ای هستم. کارم آواز خوانی است. اما همه جا آواز نمی خوانم. هر آوازی را نمی خوانم و برای هر کسی هم آواز نمی خوانم. زندگی ما در این اسباب، جمع و جور تر کردیم و عمال بهای چنین انتخابی را پراختتام و هنوز می پردازم. من یک هدف دارم و دنبال همان هدف می خواهم رفت. در ساره چگونه رفتن، می خواهم در مسیر حرکت کنم که حداقل پیش وجدان خودم راحت و سر بلند باشم. همیشه سعی کرده ام کارها خودم را با زوری کنم تا موفقهایی را که آواز برانید نهایی است، تو به داشته باشم. در آوازی که می خوانم! ایسر کامو، بزرگ علوی و صادق چوبک حضور دارند اما فقط این نیست که باید ببیند که هر خواننده صدایش، چه می کند؟ بعضی از ما خارج شده است!



آدم ها بنا به تجربیات زندگی شخصی، دیدگاهی ویژه خود دارند. در راه کار هم همین است. بویژه شغل و تخصصی مانند خوانندگی، ممکن است برای برخی، خوانندگی فقط وسیله ای باشد که با آن ماستینی لوکس بخرد. ممکن است بعضی از کسانی که کار خوانندگی می کنند، در سایه این هنر به اهدافی رسیده باشند و آن اهداف برایشان مرده شده باشد. آنها هدفشان را از ابتدا این قرار داده اند اما امیلیاپورا چنین هدفی ندارد. من

### بی مناسبیت

تماشاگر ماجرای درناک بوده اند. تماشاگر شیوع چنین رویه ای فقط تاسف آستان را برمی انگیزد و حسرتی که بر ارزش های گمشده و حال می خوریم. برای مردمان دسروز، معماری ورودی هاد، دره هشتن ها، فضاهایی که حتی قابل مشاهده نبود. اهمیت داشت. برای رنگ معنی خاصی قابل بودند و تمام این پارامترها زندگی می کردند. گذر شهری آن زمان، معنی داشت.



## خیابان دیروز معنا داشت اما امروز...

محمد اسماعیلی | باستان شناس

این بی نظمی زندگی و فاصله آن را در هر جایی از کشور، می توان دید. از چندمات یک معزاه خوار بار فروشی گرفته تا تمام مناسبات کوچک و بزرگ ما چنین است. تنها مسأله روشن، این است که تمام موضوعاتی که امری به آن نقد وارد می دانیم، دیروز سر جای خود بوده اند. امروز نیست. به عنوان نمونه اگر شکر داری می ماندند که بطور باید با بافت تاریخی و سنتی ما رفتار کنند. وضع مطلوبی شکل می گیرد. به وجود آوردن توسعه در یک جامعه نیاز به زمان و مطالعات دقیق دارد. توسعه است که بدون ناز و به وجود می آید. فقط توسعه است که جلوه امراض خود را در جامعه می بیند. توسعه است که قطعاً باقی برای توسعه دهد و ترمیم رفتار خود در سطح جامعه ندارد و این یعنی نورو آسپا

فرماند و انتخابی است که برمی گزیند. برای اسان دیروز ایران زمین، معماری و حفظ جلوه های که در آن گهگاهی از ارزش های اجتماعی دیده می شد. اهمیت داشت اما مردم ما این زمان، بیشتر نظاره گر هستند تا مطالبه کار. بارها در جامعه امروز ایران، اتفاق های درناکی را دیده ایم. اما مشاهده عکس العمل عام در باره این وقایع، ناامید کننده است. موارد بسیار زیادی در حافظه مردم وجود دارد که برخی از آنها ساهمی شده و برخی هم در سکوت رخ داده است. اما در این فاصله ای بسیار نزدیک این رخداد های درد آور، بسیار بوده اند که تنها اقدامشان این بوده که از خاتمه مورد نظر دیگر گرفته اند یا تنها

کرمه به نیست درباره این موضوع، چند مثال بیایم. بیایم ببینیم که کسب ساختمان های شهر ما است که به خودی خود از لحاظ استاندارد دهای معماری و دیگر استانداردها، دچار تناقض کامل است. البته این وضع آن دهه های شهر ما غریبه نیست بلکه نشانه فراوان می توان بین این دو یافت. دیگر این که میز پرستی موضوعی که باید به آن اهمیت داد، مسأله توسعه است. مسافه رابطه منطقی بین توسعه و آسان سازی که از جوش توسعه استفاده می کنند، وجود ندارد. این نااهمیتی، باعث بروز مغلطاتی است که امروز شاهد آن هستیم. اما نقول عدیه ای که اکنون قابل مشاهده است، فرق نگرش

هر جامعه دارای معضلات خاص خود است. منظور از معضلات خاص خود، اشاره به مشکلاتی است که در هر جامعه، متعلق به آن فضای حاکم است. بر آن است. اما معضل اصلی این روزها، پیشروی نادرست در فرهنگ سازی و توسعه است. کارهایی که در این راستا در دستور کار جامعه ایرانی قرار گرفته است. دیدن و پذیرفتن این موضوع، احتیاج به دید جامعه شناسانه و دید جامعه شناختی با تحمیل در این حوزه ندارد بلکه می توان با درک دقیق رخداد های که در کنار ما به وقوع می پیوندد، تناقض های موجود در این جامعه را با خورشی که در تحلیل کرد. صحبت از تناقض